



مجید فکری

نوروز در حرم

شما در امتداد قبله برای نماز نگاهم باشد. دست افشان می آیم به سوی آن پدر خوبی ها و ... بسم الله و بالله و فی سبیل الله ...

آری به نام خدا و به یاری آن ذات بی مثال که تحویل می کند یک سال را در این لحظه و جانمان داد که به عشق جانانمان دچار شویم پا به حرمی می گذارم که چونان خورشید روشنی می دهد و من می بوسم این زمین را، این در را و این دیوار را که عطر یار از آن می تراود و این جا می تراود نور و جانها جشن نوروز می گیرند و چه شکوهی دارد این چراغانی در زیر سایه این گنبد طلایی و این گلدسته های آسمانی. پا که به صحن انقلاب می گذارم، چشمانم که با کبوتران هم پرواز می شود و لبانم از سقاخانه حلاوت کوثر بر می گیرد می فهمم که "حول حالنا" یعنی چه، عشق یعنی چه، روز نو یعنی چه و خدا چقدر نزدیک است.

من و این همه زائر و مجاور چه خوشبختیم که وقت خوش داریم در این لحظه بزرگ برای این تغزل، برای این نو کردن سال و جان و روح کنار کبوتران حرم.

صدای صلوات می آید که نزدیک آن لحظه عظیم است، تحویل سال و یاد آرزوی دیرینه ام می افتم: "زیستن در لحظه جاودانگی".

و صدای لحظه مستم می کند، صدای ناقاره بلند می شود و چیزی درونم می روید. چیزی شگفت انگیز مثل لحظه فرو افتادن برگ، مثل لحظه عظیم اولین و آخرین تماس برگ با زمین.

... و نوروز آغاز می شود. گلدسته ها، دعای تحویل سال را می خوانند و کبوتران حرم، پرواز را آغاز می کنند. نوروز آغاز می شود. صحن طلا، طلوع عید را بشارت می دهد و نوروز آغاز

"یا مقلب القلوب والابصار": قلب هایمان را به مهربانی تکریم کن و چشمانمان را فرصت تماشای مدام زیبایی ها عنایت فرما. یا مقدر: چشم انداز سرشار از زیبایی را در افق راه و نگاهمان قرار ده و چنان کن که آغاز تا انجام کار سرفراز باشیم و ما را و کشور ما را الگوی انسانیت و سرفرازی فرما. "یا مدبر اللیل والنهار": شب هایمان را به نور معرفت روزگردان و روزهایمان را بر مدار ولایت از خیر و نیکی سرشار فرما.

یا مقوم: ایستادمان را قیام، نشستن مان را تشهد و غنودن ما را سجده قرار ده و چنان کن که همه زندگی ما نمازی به امامت موعود جمعه باشد و زندگی ما هم پروانه سان بر مدار آن خورشید عالم تاب باشد.

"یا محول الحول والاحوال": حال ما و همه انسانها را به نیکی بازپرس و هر روز نیکوتر از پیش مقرر فرما و حال جهان ما را نیز به زیباترین حال تحویل کن.

یا ودود: دنیا را از دوستی ها چنان سرشار کن که برای دشمنی ها جایی نمان. دل هایمان را بهشت قرار ده تا هیچ زشتی را در خویش نپذیرد.

یا حکیم: زیبایی نیکی را در دل و دیده ما صد چندان کن تا بدان شایق شویم و زشتی گناه را در دل و دیده ما هزار چندان کن تا هرگز گرد آن نگردیم.

"حول حالنا الی احسن الحال": حال ما را به بهترین شکل به زیبایی ها تکریم کن، ما را در خانه تکانی دلمان از نازیبایی ها یاری ده و فرشتگان خیر را بفرما تا شر را از دل ما بزدایند.

خدایا، خشکسالی زمین را به باران، خشکسالی دلها را به ایمان و خشکسالی عاطفه را به مهربانی برطرف کن و دعای دستان در پرواز را به «احسن حال» اجابت فرما.

مسیر ورود به حرم را از سمتی انتخاب می کنم که ضریح

جان و سال را اینجا نو کنید که این جا هر روز نوروز است و هر لحظه عید.

حی علی خیر العمل... و اینک، در لحظه تحویل سال که پرندگان قهر نکرده به آشتی درختان می آیند، آواز مهر می خوانند، بال می افشانند و پر می گشایند و بهترین عمل خویش را که پرواز است در افق دید ما نقش می کنند تا به یادمان بیاورند پرواز سهم ما هم است.

می شود. من، تو، ما، شما و همه نوشدن و نوترشدن را بالغ می شویم.

فغان و غوغایمان حدیث نامکرر عشق است و داستان مکرر نو شدن. در این صحن متبرک، من و او، او و من یکی شده ایم و ذوب می شوم در نوای مسحور کننده ناقاره. اصلا اهل دل همه یکی شده اند و چه خوشبخت هستیم که سفره هفت سینمان اینجاست و پدری بر سر این سفره نشسته که عشق عیدی می دهد و شفاعت. پس بیایید، شما هم بیایید، جامه و

